



غلامرضا موسوی
مدیر صحنه تئاتر ابودر
و تهیه‌کننده سینما

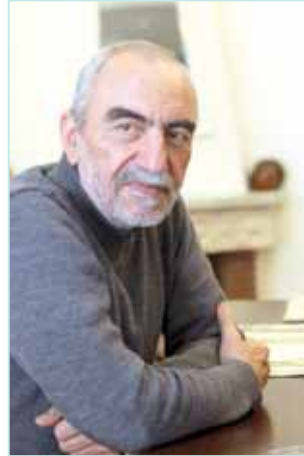
رژیم از موضوعات اساطیری حمایت می‌کرد

آشنایی من با تئاتر از زمانی آغاز شد که در دبیرستان گروه تئاتر تشکیل دادیم. بعد از مدتی با خبر شدم که آقای لطفی مرکز آموزش‌های تئاتر را تأسیس کرده‌اند. بعد از امتحان ورودی، کلاس‌های تئاتر آغاز شد. تئاترهای مختلفی توسط هنرآموزان کلاس آقای لطفی تولید شد که من هم در بعضی از آن‌ها بازی می‌کردم. در نمایش ابودر هم تقریباً اکثر بچه‌های آموزش‌دیده در دوره اول کلاس‌های آقای لطفی کمک کردند.

وقتی قرار شد آقای داریوش ارجمند نمایش ابودر را روی صحنه ببرند، مرا برای بازیگری انتخاب کرد. فکر می‌کنم کلاس دوم یا سوم دبیرستان بودم. این نمایش کاری دانشجویی بود و در داخل دانشگاه اجرا می‌شد. من هم به‌عنوان همکار تئاتری رفته بودم. به‌دلیل همین دانشجویی بودن، بعضی از عنوان‌ها در اختیار دانشجویها بود؛ اما عملاً کارش را دیگران انجام می‌دادند؛ مثلاً من عملاً هم مدیر صحنه بودم و هم لباس سفید پوشیده بودم و نقش «انیس»، برادر ابودر را بازی می‌کردم.

به نظر من ایرج صغیری نقشی را بازی کرد که هیچ‌گاه دیگر مثل آن را بازی نکرد. داریوش ارجمند کارگردان فهمی در تئاتر بود؛ او هم تئاتری را اجرا کرد که با استقبال فوق‌العاده مخاطبان روبه‌رو شد. به‌علاوه مرحوم دکتر شریعتی که همیشه یکی از مشتری‌های پشت صحنه‌مان بود. او بچه‌ها را بغل می‌کرد و من اغلب شاهد ریختن اشک‌هایش بودم. او باینکه چندین بار تئاتر را دیده بود، باز دچار احساس می‌شد.

زمانی که صحبت از حکومت می‌شد، تماشاگران درحقیقت حکومت پهلوی را می‌دیدند؛ به همین جهت جدا از جذابیت‌های بصری و معمولی تئاتر، جذابیت‌های پنهانی هم داشت که به نوع نگاه سیاسی مردم برمی‌گشت. اگر بخواهیم منصف باشیم، آن زمان خیلی بیشتر از الان کارهای اعتقادی انجام می‌شد؛ چون الان تئاترهای مذهبی بیشتر شکل دولتی دارد. آن زمان سیستم دولتی بیشتر به نمایشنامه‌هایی پول می‌داد که موضوعاتی مثل کوروش و داریوش و درواقع موضوعات اساطیری و پادشاهی داشتند.



کیفیت نمایش آسیب‌نمی‌زد؟

همان‌طور که گفتم، نمایش ابودر به‌لحاظ متن شکل جدیدی را در قالب تک‌گویی ارائه می‌داد؛ این‌گونه نمایش‌ها به‌دلیل نبود دیالوگ، کار کارگردانی را دچار مشکل می‌کند. به‌ویژه آنکه متن هم طولانی باشد. یکی دیگر از سختی‌های کار برای این نمایش آن بود که متن ضمن آنکه بار ادبی وزینی داشت، از ساختار ارسطویی فاصله گرفته بود و درگیری‌های معمول تئاتر را نداشت. به همین دلیل درصورت کارگردانی ضعیف، به اجرایی یکنواخت و خسته‌کننده تبدیل می‌شد؛ اما با کارگردانی و میزانشن‌های درخور، این نمایش خود را بالا کشیده بود.

تئاتر ابودر چه تأثیری بر دانشگاه و جامعه آن زمان داشت؟

این نمایش به‌لحاظ اجتماعی بیشترین تأثیر را بر جو عمومی دانشگاه و فضای سیاسی آن داشت. به‌دلیل نو بودن متن و شکل اجرایی و تجربی آن، نمایش دور از ذائقه عمومی مردم بود؛ اما با حمایت‌های جامعه روشن‌فکری، توانست قشری از مردم را که وابسته و نزدیک به آن‌ها بودند را به سالن نمایش یکشانند.

سالن نمایش هر شب پر بود و حتی باید گفت معمولاً با ازدحام روبه‌رو بود. با وجود این، اجراها در کمال آرامش انجام می‌شد. در این نمایش، اکثر تماشاگرانی که

از گروه‌های مختلف و با دیدگاه‌های گوناگون در سالن حاضر می‌شدند، در یک نقطه یعنی دشمن مشترک و مبارزه و لزوم اتحاد برای آرمان‌های انقلابی با یکدیگر گره می‌خوردند و این نقطه مشترک باعث وحدت آن‌ها می‌شد.

کم‌کم موضوعات انتقادی و انقلابی براساس رویدادهای مذهبی پررنگ‌تر شد؛ متأسفانه این کار در نهایت با مشکل سانسور مواجه و متوقف شد.

از نوار آن نمایش‌ها هفت‌هشت تایی باید موجود باشد. نام یکی از مشهورترینش «علی‌بن‌مهزیار» بود که در آن خسرو نیک‌آموز و رضا کیانیان و اعضای گروه نمایشی پارت ایفای نقش می‌کردند. من هم آن‌ها را می‌نوشتم و کارگردانی می‌کردم. این آثار نخست در محل کانون واقع در فلکه صاحب‌الزمان پخش می‌شد و پس از آن در فروشگاه‌های نوارهای مذهبی به‌صورت کاست در دسترس عموم قرار می‌گرفت.

تئاتر ابودر چه ویژگی‌ها و نوآوری‌هایی در فرم و محتوا داشت؟

این نمایش از چند بعد، نقطه آغاز بود. نخست آنکه راه جدیدی را به‌لحاظ موضوعی، یعنی مسائل مذهبی، پیشنهاد می‌کرد؛ آن‌هم از نوع انقلابی که درواقع جامعه آن روزگار به آن نیاز داشت. کار هنری را باید نخست با توجه به مقطع زمانی که پدید آمده است، بررسی کرد. در آن مقطع اگر مسئله سیاسی و مذهبی نبود، بدون شک آن ابودر موفق نمی‌شد که اکنون در یادها باقی مانده است. این نمایش در بعد اجرایی و کارگردانی هم بی‌نظیر بود. به‌لحاظ متن و قالب تک‌گویی هم نوآوری داشت. نمایشنامه ابودر گاه شعارگونه به نظر می‌رسید. نداشتن دیالوگ هم بر مشکلات کار می‌افزود؛ اما ادبیات رضا دانشور به کمک کارگردانی داریوش ارجمند آن را جبران می‌کرد.

این‌ها دست‌به‌دست هم دادند و تأثیری ماندگار برجای گذاشتند؛ البته نباید وجه انقلابی شخصیت ابودر را به‌عنوان قهرمان مذهبی آن‌هم از دیدگاه دکتر علی شریعتی از یاد برد. شخصیت ابودر در آن روزگار، سخت توجه جامعه روشن‌فکری را جلب کرده بود و اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت.

مسئله مهم، موضوع سیاسی نمایش بود که جو آن موقع تشنه آن بود. جوی که از هر مسئله غیر سیاسی هم به‌دلیل نیاز زمان، مقوله‌های سیاسی و ضدشاهنشاهی می‌ساخت. در این فضا پا به میدان گذاشتن اسلام انقلابی در تئاتر و در قامت ابودر، آن‌هم با پشتوانه دکتر شریعتی، نویدبخش آرمان‌های آزادی و عدالت‌طلبی بود که به نمایش اعتبار ضددیکتاتوری می‌داد.

این که نوع کار متولوگ (تک‌گویی) بود، به

تماشاگرانی که از گروه‌های مختلف پیادیدگاه‌های گوناگون در سالن حاضر می‌شدند، در یک نقطه یعنی دشمن مشترک و مبارزه و لزوم اتحاد برای آرمان‌های انقلابی با یکدیگر گره می‌خوردند و درواقع باعث وحدت آن‌ها می‌شد.

آن زمان سیستم دولتی بیشتر به نمایشنامه‌هایی پول می‌داد که موضوعاتی مثل کوروش و داریوش و درواقع موضوعات اساطیری و پادشاهی داشتند.